

www.ketab.ir

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتاب شناسی ملی

ریزش خواص در حکومت علوی
دفتر اول

جماد سلیمانی امیری

عضو هیات علم و مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی

www.ketab.ir

نویسنده: دکتر جواد سلیمانی امیری

ناشر: دفتر نشر معارف

وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

نوبت چاپ و شمارگان: اول، ۱۳۹۳/۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۵۹۷-۷

مراکز پخش:

قم، خیابان شهدا، کوچه ۲۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۰۴-۷۷۴

خیابان شهدا، روبه‌روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن: ۳۷۳۵۴۵۱

جمهوری اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تلفن: ۳۳۹۰۴۴۴۰

انقلاب، چهارراه کالج، پلاک ۷۱۵، تلفن: ۸۸۹۱۱۲۱۲

سی‌متری سینما سعدی، بین چهارراه ذوالانوار و

چهارراه مشیرنو، پلاک ۱۵۰، تلفن: ۰۷۱۱۲۳۳۴۶۱۵

چهارراه شهدا، خیابان آیت‌الله بهجت، نبش کوچه

هفتم، تلفن: ۰۵۱۳۳۳۲۰۱۱۹

خیابان امام خمینی، روبه‌روی بانک رفاه، تلفن: ۰۱۳۱۳۲۲۰۶۹۷

میدان ساعت، انتهای خیابان مقصودیه، جنب سازمان فناوری اطلاعات شهرداری، تلفن: ۰۳۱۱۵۵۷۶۰۰۰

چهارراه طالقانی، به سمت میدان سپاه، بعد از زیرگذر، جنب هلال احمر، ساختمان دی، طبقه زیرزمین، تلفن

۰۳۱۲۳۳۳۵۲۹۰

چهارراه مدرس، خیابان پزشکان، پلاک ۲۲، تلفن: ۰۸۳۱۷۳۳۸۴۱۱

خیابان مطهری، بین کوچه ۵۶ و ۵۴، تلفن: ۰۳۳۱۲۳۳۱۴۶۶

سده راه سینما، تلفن: ۰۳۸۱۲۳۳۳۳۳۲۲

میدان شهدا، خیابان ۱۸ دی، روبه‌روی مسجد سیدالشهدا^(ع)، تلفن: ۰۱۱۳۳۲۵۳۰۲۰

تقاطع خیابان رسالت و دستغیب، نبش چهارراه مافی، تلفن: ۰۴۴۲۲۳۵۴۵۲۲

امام خمینی^(ع)، خیابان میرزای شیرازی (مسجد سیدها)، ساختمان حوزه علمیه خواهران، تلفن: ۰۸۶۳۳۶۷۵۵۹۲

چهارراه تختی، خیابان مسجد سید، روبه‌روی بانک صادرات، تلفن: ۰۳۱۱۳۳۳۲۰۵۰۵

info@ketabroom.ir

ketabroom.ir

بخش اول مباحث مقدماتی

۱۷.....	یکم. توقع بالا
۱۷.....	دوم. کم همت
۱۷.....	سوم. انصاف گیری
۱۸.....	چهارم. اصرار در خواست
۱۸.....	پنجم. کم سپاسی
۱۹.....	ششم. دیر عذر پذیری
۱۹.....	هفتم. کم شکویی

۲۱.....	یکم. سبقت در ایمان
۲۸.....	دوم. عضویت در میان مهاجران یا انصار
۳۳.....	سوم. شرکت در جنگ های نخست صدر اسلام
۳۵.....	چهارم. نزدیکی با پیامبر ﷺ
۳۶.....	پنجم. مأموران و کارگزاران پیامبر ﷺ
۳۷.....	ششم. رؤیت و همراهی اندک با پیامبر ﷺ
۳۸.....	هفتم. صاحبان علوم و معارف اسلامی
۳۹.....	هشتم. تجلیل قرآن از برخی گروه ها
۴۲.....	نهم. اشارات قرآن نسبت به برخی افراد

دهم. شخصیت تراشی..... ۴۳

یکم. جنگ ها..... ۶۱

دوم. تقسیم مساوی بیت المال..... ۶۳

سوم. فتنه ها..... ۶۵

چهارم. لغزش خراس..... ۶۸

بخش دوم

سوابق، لغزش ها و شروط خواص در حکومت علوی

یکم. زید بن ارقم..... ۸۱

دوم. براء بن عازب..... ۸۶

سوم. مظرف بن عبدالله..... ۸۸

چهارم. علاء بن زیاد..... ۹۰

پنجم. عبدالله بن شقیق..... ۹۱

ششم. مزة بن شراحیل..... ۹۳

یکم. جریر بن عبدالله بجلی..... ۹۷

دو. شیبث بن ربیع تمیمی..... ۱۱۱

■ پیشگفتار

افراد اجتماع را با ملاک‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد؛ به عنوان نمونه از حیث ثروت و تمکن مالی می‌توان آنان را به دو دسته فقیر و غنی، از نظر الزام به دستورهای دینی به متدین و غیرمتدین، و براساس توانایی همانان به فروشتن به باسواد و بی‌سواد و از حیث شغل به معلم و کارگر و صنعتگر و غیره تقسیم نمود. لکن در یک بُرش اجتماعی، اعضای جامعه به دو کسر خواص و عوام تقسیم می‌شوند. ملاک این تقسیم‌بندی توانایی درک و تحلیل مسائل سیاسی - اجتماعی و میزان نفوذ افراد در جامعه است. خواص کسانی هستند که مسایل و مشکلات فکری، فرهنگی و یا سیاسی و اقتصادی جامعه را درک می‌کنند و توان تجزیه و تحلیل آنها را دارند.

آنان غالباً در درک جریان‌های سیاسی و اجتماعی از تیزبینی و هوشیاری ویژه‌ای برخوردارند، به طوری که در برخی موارد بی‌آنکه تحصیلات بالایی داشته و یا از مراتب علم و دانش رتبه‌ای کسب کرده باشند مشکلات جامعه خویش را می‌شناسند، وقتی یک جریان موج فرهنگی یا سیاسی و اقتصادی خاصی را در جامعه ایجاد می‌کند، خواص با کمی درنگ در خاستگاه و شعار و عملکرد آن جریان به ماهیت آن و اغراض سردمدارانش پی می‌برند.

خواص از جناح‌های موجود در جامعه، اهداف، سیاست‌ها و اختلافات و کشمکش‌های موجود بین آنان با خبرند، چهره‌های سرشناس و شخصیت‌های برجسته و برگزیده اجتماع را می‌شناسند و نقاط ضعف و قوت‌شان را می‌دانند، از این‌رو هنگامی که از شخص یا جناحی حمایت می‌کنند و یا با چهره و گروهی مخالفت می‌روزند، از روی علم و آگاهی و محاسبه است.

آنان به خاطر داشتن این قابلیت‌ها مورد توجه و عنایت توده مردم بوده و مرجع تصمیم‌گیریهای توده می‌باشند از این رو از نفوذ اجتماعی بالایی برخوردارند و آرای مردم را تحت تأثیر رهنمود خود قرار می‌دهند و در هدایت جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند.

البته الزاماً همه خواص در هر یک از امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اهل نظر نیستند، و قابلیت‌های فوق را به صورت همسانی ندارند. بلکه در بسیاری از موارد تنها قدرت درک و تحلیل یک دسته از مسایل و مشکلات جامعه را دارند، لیکن همگی دارای نفوذ اجتماعی می‌باشند و در تصمیم‌سازی‌های جامعه نقش بسزایی دارند و هر یک فراخور توانایی‌شان دامنه نفوذشان متفاوت است. برخی در محدوده یک روستا و بعضی در حیطه یک شهر و یا استان نفوذ دارند و بعضی دیگر یک یا چند کشور و حتی نسل‌های آینده را تحت تأثیر آرای خویش قرار می‌دهند.

خواص به علت تبخّر ویژه در شخصیت‌شناسی، جریان‌شناسی و جامعه‌شناسی، چهره‌ها و مناصب و مراکز حساس تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر جامعه را می‌شناسند و راه و رسم نفوذ و دستیابی به پست‌های کلیدی را می‌دانند. از این رو در صورت ضرورت و فرصت مناسب پست‌های حساس و کلیدی جامعه را در دست گرفته یا با

صاحبان پست‌ها و مناصب کلیدی ارتباط برقرار کرده و مقاصدشان را پی‌گیری و منویات و منافع خود را تأمین می‌کنند؛ آنان گاه با واسطه یا گاه بی‌واسطه در سرچشمه‌های قدرت حضور دارند و از آن بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین اگر بخواهیم خواص را با ادبیات علمی تعریف کنیم باید بگوییم:

«خواص، نخبگان اجتماعی و گروه مرجع عوام بوده و دارای قوه تحلیل، نفوذ و پایگاه اجتماعی می‌باشند، آنان را در همه اقشار می‌توان یافت، اعم از علمای دینی، تحصیلکرده‌های دانشگاهی، بازاریان، صنعتگران، کارمندان، کشاورزان، و صاحبان مشاغل و حرفه‌های سرد، تلان و حتی افراد بی‌سواد.»

در مقابل خواص، عوام یا توده قرار دارند، آنها اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند؛ عوام در امور سیاسی - اجتماعی اهل نظر نیستند و در نظرسنجی‌های اجتماعی همواره تابع تصمیم‌گیری خواص هستند، به‌طور خلاصه در امور اجتماعی تیزبینی و هوشیاری لازم را ندارند و اهل تشخیص و جریان‌سازی نیستند.

خواص یک جامعه را با معیارهایی چون میزان و نفوذ و یا توانایی تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی به طبقه‌ها و دسته‌های گوناگونی می‌توان تقسیم کرد؛ اما در جوامعی که ملاک و معیاری به نام حق در آنها مطرح بوده و ارزش‌های اصیل الهی و انسانی در آنها ریشه دارد، مانند جامعه مسلمانان صدر اسلام و حکومت امیرمؤمنان علیه السلام و جامعه مسلمان و شیعه ما، کل جامعه و از جمله خواص آنها به دو دسته «حامی حق و طرفدار باطل» تقسیم می‌شوند، چنان که امیرمؤمنان علیه السلام در تقسیم‌بندی مردم بر اساس حق و باطل می‌فرمایند:

« حق و باطل و لكل اهل، فلئن أمر الباطل لقدیما فعل، و لئن قل الحق فلربما و لعل، و لقلما أدبر شئ فأقبل؛^۱ حق و باطلی داریم و برای هریک طرفدارانی هست، اگر باطل جایی حاکمیت یابد جای تعجب نیست از دیرباز چنین بوده و اگر اهل حق در اقلیتند چه بسا بر تعدادشان افزوده شود [مواظب باشید حق را از دست ندهید چه اینکه] کمتر رخ می دهد که چیزی از دست برود و بار دیگر برگردد.»

لکن در این میان دسته سومى قابل تصویر است و آنان خواص اهل لغزش هستند؛ تعریف هریک از این سه دسته به اختصار عبارت است

خواص باطنى حق؛ سعادت و خوشبختی جامعه را در پاسداری از ارزش ها، تقویت پایه حق و حقیقت می بینند از این رو در تصمیم گیری های اجتماعى راهی را بر می گیرند که مطابق معیارهای الهی و ارزش های متعالی باشد.

خواص طرفدار باطل؛ بنابر عللی مانند جهل، کج فکری و التقاط و یا خبائث باطنی و هوسرانی و عشت طبعی با جنگ حق و حقیقت می روند و در موضع گیری های اجتماعى خویش می کوشند تا ریشه ارزش های دینی، اخلاقى و انسانى را قطع کنند.

خواص اهل لغزش؛ کسانی هستند که سوابق درخوری در جبهه حق داشتند، ولی به مرور زمان مبتلا به اموری چون تنبلی، تسامح، غفلت و تن آسایى و رفاه طلبی گردیده و در دفاع از ارزش ها و استمرار حرکت در مسیر حق سست شده اند.

اکنون با توجه به اهمیت نقش خواص در سرنوشت اجتماع باید گفت؛ هرگاه در جامعه ای خواص طرفدار باطل افزون تر و متنفذتر از خواص

حامی حق باشند ارزش‌های الهی در چنین جامعه‌ای در معرض تهدید و زوال قرار خواهد گرفت و بستر مناسبی برای استحکام پایه‌های ظلم و فساد و ابتذال و هر آنچه رنگ باطل دارد فراهم خواهد شد؛ در مقابل اگر حامیان حق بیشتر و متنفذتر از طرفداران باطل باشند، پایه‌های ارزش‌های حق محکم می‌شود و جامعه به سوی خیر و صلاح هدایت خواهد شد و در نهایت به سعادت و خوشبختی خواهد رسید.

و اگر در یک جامعه خواص اهل لغزش فزونی یافته و از نفوذ افزونتری برخوردار شده، افسار جامعه را در دست بگیرند، خواسته یا ناخواسته پایه‌های ارزش‌ها در آن جامعه سست می‌شود، اقتصاد و فرهنگ و سیاست و ارتش به دست نااهلان خواهد افتاد و خودی‌ها به حاشیه رانده می‌شوند و بدعت‌های دوازه‌ها، آرمان‌های فریبنده و پوشالی جای اهداف اصیل و متعالی را خواهد گرفت؛ در این صورت خواص اهل لغزش التزام لازم برای پاسداری از فکر و فرهنگ و رضای خدا ندارد.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد یکی از عوامل مهم فروپاشی حکومت علی علیه السلام مشکل خواص بود، لکن نه خواص اهل حق و نه خواص اهل باطل، بلکه خواص اهل لغزش، زیرا کسانی که اهل حق بوده، در حمایت از حق ثابت قدم مانده‌اند انحرافی نداشتند تا موجب انحراف جامعه علوی شوند، شخصیت‌هایی چون امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، أبودر، مقداد و عمار و امثال این چهره‌های ممتاز حق طلب نه تنها لطمه‌ای به حکومت آن حضرت نزدند بلکه مایه استحکام آن بوده‌اند؛ از سوی دیگر خواصی که همواره در جبهه باطل حضور داشته‌اند نیز نمی‌توانستند پایه حکومت آن حضرت را سست کنند، چه اینکه آنان هیچ گاه سابقه حمایت از ارزش‌های دینی و اسلامی را نداشته‌اند تا انحرافشان موجب انحراف جامعه علوی شود؛

از این رو افرادی چون معاویه، سعید بن عاص، ولید بن عقبه، مروان بن حکم و ... نمی‌توانستند به طور مستقیم به ارزش‌ها و باورهای دینی حکومت علوی لطمه بزنند از این رو خواص مورد بحث تحقیق حاضر نیستند، چراکه مردم مؤمن آن زمان می‌دانستند، آنان همواره با دین و ارزش‌های دینی مخالفت می‌کرده‌اند و اگر هم مسلمان شده‌اند از روی ناچاری و اکراه بوده است.

ولی خواص اهل لغزش به علت نفوذ فزاینده ناشی از سوابق درخشان‌شان وقتی از جبهه حق جدا شده و به انحراف گراییدند خیل کثیری از مردم را به دنبال خود به انحراف کشاندند و اخلاق و ارزش‌های جامعه را سست کردند و اندک اندک باورهای دینی را تضعیف نمودند. از این رو در این کتاب که در صدد شناسایی خواص و بررسی سهم آنان در تضعیف حکومت علی علیه السلام است ابتدا چهره‌های خوش سابقه و متنفذ حکومت علوی که روزگاری را در خدمت به حق و حقیقت سپری کرده‌اند معرفی و لغزشگاه‌ها و عوامل ریزش‌شان بررسی می‌شود تا از این رهگذر هم خواص اهل لغزش شناسایی شده و هم علت لغزش‌شان تحلیل گردد، هم نقش لغزش خواص در تضعیف حکومت آن حضرت تبیین شود؛ لکن قبل از معرفی چهره‌های مذکور، نخست به حول و قوه الهی مباحثی چون طبایع، فرآیند رویش خواص و ویژگی‌هایی آنان و سهم خواص در تضعیف حکومت آن حضرت به طور اجمال بررسی می‌گردد، به امید این که مرضی خدا و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقام معظم رهبری قرار گیرد.